

طراحی مدل سیاست های مالیاتی مشوق کارآفرینی مولد در ایران

مطهره حسن پور امیری^۱، علی داوری^{۲*}، امیر محمد زاده^۳، علیرضا امین خاکی^۴

^۱دانشجوی دکتری، گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲استادیار، گروه کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

^۳دانشیار، گروه مدیریت، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۴استادیار، گروه علوم اقتصادی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: شهریور ۱۴۰۰، اصلاحیه: آبان ۱۴۰۰، پذیرش: بهمن ۱۴۰۰

چکیده

کارآفرینی یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی کشورها به شمار می آید و در اکثر پژوهش های بین المللی تاثیر مالیات بر کارآفرینی بصورت منفی گزارش شده است. با توجه به اینکه گزارش های بین المللی حاکی از شرایط نامطلوب مالیاتی برای کارآفرینان ایرانی است، این پژوهش به دنبال یافتن مدل سیاست گذاری مالیاتی مشوق کارآفرینی است تا ضمن حفظ درآمد مالیاتی، کمترین آسیب به فعالیت های کارآفرینانه وارد شود این تحقیق از نوع کیفی بوده و ابزار جمع آوری داده های تحقیق، مصاحبه با مدیران شرکت های دانش بنیان، مدیران سازمان امور مالیاتی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان ذینفع می باشد. با توجه به کدگذاری های باز و محوری از مصاحبه های صورت گرفته، برای سیاست گذاران مالیاتی مدلی مشوق کارآفرینی مولد استخراج شده است که این مدل شامل ۸ بعد تعریف کارآفرین، آموزش، عدالت، اعتماد، اصلاحات قانونی، اصلاحات اجرایی، بهبود فرایند حسابرسی، سلامت اداری می باشد.

واژه های اصلی: مالیات، نظام مالیاتی، کارآفرینی، سیاست های کارآفرینی، توسعه اقتصادی

۱- مقدمه

در بسیاری از کشورها کارآفرینی یکی از عناصر حیاتی رشد اقتصادی بوده و تاثیر فعالیت های کارآفرینانه در تمامی بخش ها و سطوح جامعه همچون نوآوری، رقابت، بهره وری، خلق ثروت و اشتغال زایی قابل مشاهده است. [۱۶] فعالیت های کارآفرینانه بوسیله عوامل زمینه ای و بستر محیطی تحت تاثیر قرار می گیرند. یکی از این عوامل که به عنوان محورهای مهم توسعه اقتصادی کشورها نیز محسوب می شود، مالیات است که تاثیرات قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی کارآفرینان دارد. هدف اصلی مالیات انتقال منابع از یک گروه به گروه دیگر برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است بدون اینکه به اهداف اقتصادی آسیب برساند [۲۱] طبق نظریه ای اثرات خارجی^۱ مالیات ها باید درجایی در بالاترین سطح باشند که فعالیت، دارای هزینه های اجتماعی منفی (مانند آلودگی محیط زیست و یا بیمار شدن افراد) است و درجایی باید در پایین ترین سطح باشد که فعالیت دارای مزایای اجتماعی مثبت (مانند فعالیت های نوآورانه و کارآفرینی مولد) است اما در عمل شاهد این الگو

نیستیم [۶] با جهانی شدن و رشد روزافزون بحران های اقتصادی و مالی و به تبع آن افزایش قابل توجه بیکاری، دولت ها ممکن است وسوسه شوند تا ساختار مالیاتی خود را با طرح مالیات های جدید و افزایش میزان مالیات، تغییر دهند. اما این بار سنگین مالیاتی بیشتر باعث ایجاد موانعی برای کارآفرینی، رشد، استخدام و درآمدهای مالیاتی شده است. برای نمونه مطالعات نشان داده است که نرخ مالیات بر درآمد بر تصمیم گیری و تشویق فعالیت های کارآفرینانه اثرگذار است به گونه ای که شروع یک کارآفرینی یا کسب و کار کوچک می تواند با ساختار مالیاتی موجود در آن کشور آسان یا دشوار گردد. [۱۲] طبق نظریه بامول [۷] زمانی که شرایط نهدی مانند نظام مالیاتی نامساعد باشد افراد به سمت فعالیت های غیر مولد می روند لذا انتظار می رود شرایط توصیف شده باعث گسترش بخش غیررسمی و همچنین کاهش کارآفرینی مولد شود. از این رو به بررسی شرایط مالیات ایران در گزارش های بین المللی پرداخته ایم. در گزارش های شاخص رقابت پذیری جهانی^۲ که هرساله توسط مجمع جهانی اقتصاد^۳ منتشر می شود، در ایران نرخ مالیات و مقررات مالیاتی

^۲ The Global Competitiveness Report

*ali_davari@ut.ac.ir

^۳ World Economic Forum

1 externality

بهبود یابد مسیر راه اندازی کسب و کار مسطح تر خواهد شد. با توجه به آمار ارائه شده از سازمان های مرجع جهانی در زمینه ی کارآفرینی و ترسیم شرایط نامطلوب لازم است به مسئله ی مالیات کارآفرینان در راستای توسعه کارآفرینی مولد به گونه ای موشکافانه نظر کرد. بطور مثال با بررسی گزارش های سالیانه سازمان دیده بان جهانی کارآفرینی، مشخص شد رتبه ایران در کیفیت سیاست های کلی و اولویت دولت در حمایت از کارآفرینی در میان ۵۴ کشور در سال ۲۰۱۸ سی و هشت است که حاکی از کیفیت نامناسب سیاست های کلی و اولویت دولت در حمایت از کارآفرینی در ایران است. (گزارش دیده بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۸)^۷

با نگاهی به فهرست آیین نامه ها و بخشنامه های مالیاتی که از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا ابتدای مردادماه ۱۳۹۱ ابلاغ شده اند، حاکی از آن است که در این بازه زمانی ۱۱۲ آیین نامه و بخشنامه مالیاتی ابلاغ شده اند که این امر به این معناست که به طور متوسط هر پنج روز یک آیین نامه و بخشنامه صادر شده است (گزارش مرکز پژوهش های مجلس: ۱۳۹۴) در چنین شرایط دشواری، جدا از هزینه هایی که برای خود دولت دارد، برنامه ریزی و تصمیم گیری برای فعالیت های اقتصادی بسیار سخت و برای فعالان اقتصادی باعث افزایش هزینه مبادله^۸ می شود.

لذا در این پژوهش قصد داریم نسبت به یافتن قوانین مالیاتی مشوق کارآفرینی مولد اقدام نماییم. از این رو تمرکز اصلی این پژوهش بر شناسایی سیاست های مالیاتی موثر بر گسترش کارآفرینی در ایران خواهد بود. در ادامه مقاله نخست، به مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش متغیرهای موجود پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی، روش اجرایی تحقیق، شامل جامعه آماری و روش نمونه گیری شیوه گردآوری و تحلیل داده ها ارائه می گردد. سپس یافته های تحقیق بیان می شود و در نهایت به بحث و نتیجه گیری یافته های تحقیق پرداخته خواهد شد.

۲- ادبیات پژوهش

از دیدگاه بامول [۷] افراد کارآفرین، با توجه به کیفیت نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی، تلاش خود را در جهت های مختلف متمرکز می کنند. وی با تجزیه و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر تخصیص منابع و جریان استعدادهای کارآفرینی و با توجه به نمونه های موجود در پیشینه اقتصادی، فعالیت های کارآفرینی مولد و غیرمولد را از هم متمایز کرد. [۷] [۸] مفهوم کارآفرینی مولد به هر فعالیتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بازده خالص اقتصاد و یا در ظرفیت تولید بازده اقتصادی، مشارکت دارد اطلاق می شود [۹] در مقابل تعریف کارآفرینی مولد، انواع غیرقانونی یا غیررسمی رفتارهای کارآفرینی غیرمولد به شمار می روند زیرا به اقتصاد و جامعه ارزش اندکی اضافه می کنند. [۸]

از میان عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی متغیر مالیات به عنوان یک متغیر نهادی در مجموعه متغیرهای تعیین کننده فضای کسب و کار بوده،

به عنوان دو شاخص از مهم ترین مشکلات کسب و کار معرفی می شوند. در گزارش سال ۱۸-۲۰۱۷ نسبت به سال قبل از آن، شاهد افت دو شاخص نرخ مالیات و مقررات مالیاتی هستیم. امتیاز کسب شده در مقررات مالیاتی در سال ۲۰۱۸ از ۱،۴ در سال ۲۰۱۷ به امتیاز ۳،۶ رسیده و همچنین امتیاز کسب شده در نرخ مالیات در سال ۲۰۱۸ از ۲ در سال ۲۰۱۷ به ۳،۶ رسیده است.

طبق ماده (۲۲) قانون برنامه ششم توسعه دولت مکلف است در طول سالهای برنامه رتبه ایران را در میان کشورهای منطقه، براساس سند چشم انداز، به رتبه سوم ارتقا دهد و هر سال بیست درصد از این هدف محقق شود. این در حالیست که رتبه ایران در سال ۲۰۱۹ نسبت به ۲۰۱۸ ده رتبه تنزل داشته و از رتبه ۸۹ در سال ۲۰۱۸ به رتبه ی ۹۹ از ۱۴۱ دست یافته است؛ همچنین در سال ۲۰۱۸ شاهد سقوط یک پله ای در شاخص رقابت جهانی بوده ایم و این افت جای تامل و بررسی دارد. نرخ مالیات حقوق^۴ در سال ۲۰۱۹ رتبه ی ۱۱۲ را کسب نموده، که نسبت به سال قبل آن ۲ پله بهبود داشته ولی رتبه ی اثر مالیات ها بر رقابت از ۱۰۸ در سال ۲۰۱۸ به ۱۳۰ در سال ۲۰۱۹ رسیده است.

بر طبق گزارش رقابت جهانی در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ توسط همایش اقتصاد جهانی^۵ قوانین مالیاتی و میزان آن در میان چهار عامل از مشکل سازترین عوامل برای انجام کسب و کار در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا بوده است. به عنوان مثال، قوانین مالیاتی مشکل سازترین عامل برای انجام کسب و کار در آلمان و میزان مالیات مشکل سازترین عامل برای انجام کسب و کار در بریتانیا بوده اند. [۱۵]

همچنین گزارش های پایش محیط کسب و کار که هر ساله توسط بانک جهانی منتشر می شود، ده شاخص محیط کسب و کار را بررسی نموده، که پرداخت مالیات یکی از این شاخص ها است. و این شاخص به بررسی مراحل (تعداد دفعات پرداخت مالیات در سال)، مدت زمان (تعداد روزهایی که صاحبان کسب و کار باید صرف پرداخت مالیات کنند)، هزینه (درصدی از درآمد سرانه^۶) و حداقل سرمایه (درصدی از درآمد سرانه) می پردازد. این گزارش نشان می دهد، رتبه ی پرداخت مالیات ایران از ۹۶ در سال ۲۰۰۷ به ۱۴۹ در سال ۲۰۱۹ رسیده است. رتبه مالیات ایران از سال ۲۰۱۵ تقریباً ثابت مانده به طوری که از رتبه ۱۴۸ در سال ۲۰۱۵ تا رتبه ۱۴۹ در سال ۲۰۱۹ ثباتی نسبی مشاهده می شود. اما این ثبات همراه با بهبود نبوده و اینگونه بنظر می رسد تلاش های دولت تنها در راستای بدتر نشدن رتبه مالیاتی ایران اثربخش بوده است. همان طور که مشاهده می شود ۱۹۱ پرداخت مالیات در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و طبق گزارش سازمان دیده بان جهانی به عنوان یک عامل بازدارنده برای فعالیت های کارآفرینان شناخته می شود. همچنین پیرو گزارش های بانک جهانی هر چه عوامل موثر بر سهولت انجام کسب و کار، مانند نظام مالیاتی،

⁴ Labor tax rate

⁵ World Economic Forum (WEF)

⁶ The per capita income

⁷ Global Entrepreneurship Monitoring (GEM)

⁸ Transaction Cost

طریق بایگانی الکترونیکی و کاهش فراوانی آنها را از دیگر اقدامات موثر دولت دانسته است.

مدل خط مشی کاهش موانع کارآفرینی سازمان ملل با برشمردن موانع گسترش کسب‌وکارها به راه‌های بهبود و توسعه آنها اشاره و به سیاست‌گذاران مالیاتی توصیه می‌کند مطابق با نیاز شرکت‌ها به ساده‌سازی سیستم مالیات و کاهش تعداد پرداخت‌های مالیاتی و سیستم مالیاتی ویژه شرکت‌ها و استفاده از مشوق‌های مالیاتی برای نوآورکردن شرکت‌های کوچک و متوسط بپردازند.

یکی از مواردی که مدل خط مشی های توسعه کارآفرینی آتلانتیک کانادا^{۱۲} به آن اشاره می‌کند تاثیر مشوق های مالیاتی است. مشوق های مالیاتی می‌تواند فرصت‌های جدید برای مالکیت یک کسب‌وکار ایجاد نموده و به افراد برای شروع یک کسب‌وکار جدید انگیزه دهد. اگرچه فعالیت های کارآفرینانه از سطح فردی سرچشمه میگیرند و به وسیله نگرش ها یا انگیزه های فرد و مهارت ها و ویژگی های روانشناختی فرد ایجاد می‌شوند ولی می‌توان با تدوین و اجرای خط مشی های توسعه کارآفرینی در جهت افزایش تعداد کارآفرینان و تاسیس کسب و کارهای کوچک تلاش کرد. [۳] یکی از عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی نظام مالیاتی است. دسوتو اقتصاد دان معروف پرویی و برنده جایزه نوبل، یکی از دلایل مهم توسعه نیافتگی کشورهای جهان سومی را موانع نظام اداری این کشور ها میدانند که بخش خصوصی را به اقتصاد زیر زمینی، غیر رسمی و غیر مولد سوق میدهد. دریافته اند با توجه به نتایج عملکرد نظام مالیاتی ایران در گزارش های بین المللی نظام مالیاتی این کشور یکی از انواع موانع نظام اداری است به همین جهت در ادامه به بررسی تاثیرات مالیات بر ابعاد مختلف کارآفرینی می‌پردازیم.

هسل و همکارانش با بررسی تاثیر هزینه‌های راه‌اندازی و مالیات بر انواع کارآفرینی با استفاده از داده‌های ۵۳ کشور، دریافته‌اند مالیات، رابطه منفی با کارآفرینی نوآورانه داشته، درحالی‌که با مالیات بر درآمد رابطه‌ای ندارد. [۱۷] در پژوهشی با استفاده از تغییرات متفاوت در نرخ مالیات شرکت‌های دولتی نشان داده شد، افزایش مالیات، نوآوری‌های آینده را کاهش داده؛ و این تأثیر نه تنها بر ثبت اختراع و سرمایه‌گذاری برای واحدهای تحقیق و توسعه بلکه برای معرفی محصولات جدید نیز اثرگذار است. همچنین نرخ بالای مالیات از ریسک‌پذیری افراد در شرکت‌ها نیز جلوگیری می‌کند. [۲۰]

بلاک [۱۱] در پژوهشی بیان می‌دارد مالیات بر درآمد شرکت‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان و نوع کارآفرینی دارد. علاوه بر سطح مالیات بر درآمد شرکت‌ها، پیشرفت مالیات و پیچیدگی کد مالیاتی بر فعالیت‌های کارآفرینی نیز تأثیرگذار است. بلاک [۱۲] ۵ سال بعد مجدداً پژوهش خود را تکرار و این بار نیز بر نتایج گذشته صحت گذاری میکند.

که گسترش و رشد کارآفرینی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. طبق تعریف بانک جهانی، مجموعه‌ای از انواع مالیات‌ها (مثل مالیات بر درآمد، مالیات بر دارایی، مالیات بر مصرف)، نرخ هر یک از انواع مالیات، مشوق‌ها و اعتبارات مالیاتی و نیز فرآیندهای اجرایی نظام مالیاتی، ساختار مالیاتی یک کشور می‌گویند. کارآیی سیاست‌های مالیاتی نیز به ساختار نظام مالیاتی (قوانین و نظام اجرایی)، بستگی دارد. نظام مالیاتی با ارکان سه گانه اش، قوانین و مقررات، سازمان وصول مالیات و مودبان، بر چگونگی فضای کسب‌وکار و بالتبع، عملکرد و رشد اقتصادی تاثیر دارد. [۲۰] اثربخشی این سیاست‌ها به شدت به میزان واکنش کارآفرینان به مالیات بستگی دارد. ادبیات نظری تشخیص داده است که مالیات بر بازده فعالیت‌های پرخطر در واقع می‌تواند ریسک‌پذیری را افزایش دهد [۱۵]

۲-۱- مالیات و کارآفرینی

موضوع مالیات فقط محدود به مباحث بهبود محیط کسب و کار نیست و مباحث خاص توسعه کارآفرینی به موضوع مالیات توجه شده است. برای نمونه مدل توسعه کارآفرینی هال و راسل^۹ مانند مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بیان می‌دارد، برای تبدیل منابع اقتصادی به فعالیت‌های کارآفرینانه نیاز به قواعدبازی یا خط مشی های دولت است که یکی از این قواعدبازی موثر، الزامات مالیاتی است و بر نقش آن در بهبود و گسترش کسب‌وکارها اشاره دارد. در مدل خط مشی توسعه کارآفرینی آنکتاد^{۱۰} نیز به سیاست‌گذاران دولت‌ها توصیه شده به جهت ماهیت پر ریسک کسب‌وکارهای کارآفرینانه، دولت‌ها باید به دنبال کاهش ریسک کسب‌وکارها بوده و جهت رونق‌دادن به فعالیت‌های مولد، باید سیاست‌های مالیاتی را به گونه ای تدوین کنند که ورود و خروج فعالیت‌های کارآفرینانه مولد را تسریع بخشد.

در مدل توسعه کارآفرینی یورو استات^{۱۱}، مالیات بر کسب‌وکار به عنوان عاملی مهم در تصمیم‌گیری انتقال عملیات تجاری در خارج از کشور محسوب می‌شود. باید مشوق های مالیاتی از طریق حمایت‌های مالی، موانع ورود به کسب‌وکار را کاهش داده و سبب افزایش فعالیت‌های کارآفرینی گردد. همچنین مالیات بر سرمایه و مالیات بر ارث نیز موجب کاهش انگیزه های کارآفرینی و کسب‌وکار خواهد شد. ازمنظر مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی، توسعه کارآفرینی، تاثیر مالیات پیچیده بوده و کاهش نرخ مالیات باعث افزایش نرخ خود اشتغالی می‌شود.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل در اروپا با تمرکز بر راهکارهای اجرایی حذف موانع کارآفرینی در حوزه مالیات، به مشکلاتی همچون نرخ مالیات و ساده‌سازی سیستم مالیات اشاره، و به عنوان راه‌حل اصلی، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها را پیشنهاد نموده و ساده‌سازی فرایند پرداخت از

⁹ Hall & Russell

¹⁰ Unctad

¹¹ The OECD/EUROSTAT framework for entrepreneurship indicators

¹² Atlantic Region Of Canada, 1990

ابوذر سالاری [۱] با بررسی اطلاعات بانک جهانی از فضای کسب و کار طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت نظام مالیاتی به جهت بهبود فضای کسب و کار را ارائه داده است. در این پژوهش سه معیار بررسی مالیات در نظر گرفته شده که شامل موارد تعداد پرداخت مالیات در یک سال، زمان صرف شده برای پرداخت مالیات برحسب ساعت در یک سال و نرخ کل مالیات که به صورت درصدی از سود نشان داده می شود است. مؤلف اشاره داشته تعداد پرداخت مالیات تنها بار اداری مضاعفی در راستای پیگیری شرکت از سیستم مالیاتی بر آن تحمیل می کند و اثر دیگری ندارد.

طبق مطالعات صورت گرفته مالیات در ایران اثری منفی بر کارآفرینی دارد. مالیات بر درآمد شرکتها همبستگی منفی با نوآوری های کارآفرینانه داشته و نوآوری های آینده را کاهش می دهد. همچنین با ریسک پذیری، استخدام و ورود کارآفرینی و خوداشتغالی نیز همبستگی منفی دارد. علی رغم تاثیر منفی مالیات بر ارزش افزوده بر اقتصاد، مالیات بردرآمد تصاعدی تاثیر مثبت بر اقتصاد کشورها دارد. مالیات بر درآمد شرکتها باعث کاهش و تاخیر در سرمایه گذاری و درآمد کسب و کارها دارد و مالیات بر درآمد کسب و کارهای کوچک و متوسط در سالهای اولیه شروع کسب و کارها باعث زیان بیشتر نسبت به کسب و کارهای بزرگ است. پژوهش ها نشان می دهد افزایش مالیات اگرچه باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می شود ولی انگیزه برای فعالیت بیشتر و بهره وری کسب و کارها را کاهش می دهد. باتوجه به اهمیت نظام مالیاتی و ثبات و پایداری درآمدهای مالیاتی در برابر درآمدهای ناپایدار دستیابی به یک نظام مالیاتی کارآمد که در آن اهمیت نقش کارآفرینان مشهود باشد برای کشورها ضروری است. از همین روی با توجه به اهمیت درآمدهای مالیاتی و فعالیت های کارآفرینانه و وضعیت نامطلوب نظام مالیاتی و همچنین کمبود پژوهش در این حوزه اقدام به پژوهش حاضر گردیده است.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی، مبتنی بر تحلیل محتوا و با به کارگیری ابزار مصاحبه انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، مدیران شرکتهای دانش بنیان، مدیران مالیاتی و کارشناسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به عنوان ذینفع، می باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شده است. بدین صورت که از مصاحبه شوندهگان خواسته شد تا افراد آگاه در زمینه ی موضوع تحقیق را برای انجام مصاحبه های بعدی معرفی نمایند. انتخاب نمونه ها تا جایی ادامه یافت تا کفایت و اشباع داده ها حاصل شده و محقق دریا بد نمونه های بعدی، اطلاعات متمایزی را در اختیار نخواستند گذاشت. مطالعات نشان می دهد در یک پژوهش که با دقت هدایت شده، تعداد مصاحبه شوندهگان بیشتر از بیست نفر نخواهد شد [۴]. به طور کلی با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد ۱۰±۱۵ نمونه برای انجام مصاحبه کافی است. در پژوهش حاضر، با انجام هفده مصاحبه، نتیجه حاصل شده که پاسخ های

کیت اسمیت و هلن میرر [۲۲] در پژوهشی دریافته اند ترکیب حذف نرخ های ترجیحی مالیات بر درآمد برای صاحبان مشاغل با کسر مالیات برای سرمایه گذاری های جدید سهام، سرمایه گذاری کسب و کارهای کوچک را تا ۲٫۵ درصد و درآمد مالیاتی از این گروه را تا ۲٫۴ درصد افزایش می دهد و بر خلاف تصور تخفیف های مالیاتی منجر به کاهش درآمد مالیاتی نخواهد شد.

برونهلیم و همکارانش [۱۳] در پژوهشی دریافته اند که تاثیر بار اداری مالیاتی در چرخه عمر کارآفرینی از شدیداً منفی تا ناچیز متفاوت است. بارزترین اثرات منفی در مراحل اولیه کارآفرینی ظاهر می شود. آنها نتیجه گرفته اند که کاهش ۱۰ درصدی بار اداری مالیاتی، تمایل به تأسیسات تجاری جدید را تا ۴ درصد افزایش می دهد.

برانرژم و اکلان [۱۰] با بررسی داده های ۱۱۸ کشور در طی ۶ سال به این نتیجه رسیدند که نرخ ورود کارآفرینی به طرز قابل توجهی توسط بار مالیاتی کاهش می یابد.

ون و گوردون [۲۴] در پژوهشی به ارائه مدلی تجربی از مالیات و خوداشتغالی پرداخته و اذعان می نمایند، اصلاحات مالیاتی عموماً به دنبال اصلاح سه پارامتر؛ کاهش متوسط مالیات بر درآمد، پیشرفت برنامه مالیاتی، کاهش پیچیدگی کد مالیاتی هستند. به دلیل توجه کافی کشور سوئیس به این پارامترها، آنها توانستند با دقت بالا تاثیر تغییرات آنها را بر ایجاد و تولد شرکتها اندازه گیری نموده و دریافتند نرخ بالای مالیات و پیچیدگی قوانین مالیاتی باعث کاهش نرخ تولد شرکت و پیشرفت برنامه های مالیاتی به تنهایی باعث ایجاد شرکت می گردد.

گورلی و بروس [۱۸] در بررسی تاثیر نرخ مالیات بر ورود به کارآفرینی، دریافتند نرخ پایین تر مالیاتی کارآفرینان باعث افزایش ورود به کارآفرینی می شود.

اکبرپور و کرمی [۲] با بررسی داده های ۳۷ کشور درحال توسعه آسیایی و آفریقایی شامل ایران طی دوره ی ۱۹۷۲ تا ۲۰۱۲ دریافتند، حرکت از سمت مالیات های بر مصرف و دارایی به سمت مالیات های درآمدی، بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. همچنین بین رشد بلندمدت و مالیات های بر فروش و دارایی ارتباط قوی و مثبت وجود دارد. انتقال از مالیات های درآمدی به مالیات بر دارایی، بیشتر از انتقال به مالیات های بر مصرف و فروش، رشد بلندمدت را افزایش می دهند و همچنین مالیات بر ارزش افزوده و فروش، بر رشد بلندمدت اثر مثبت و معنادار دارد.

صمدی و میر هاشمی [۵] به بررسی اثر سیاست های مالیاتی بر کارآفرینی در کشورهای مختلف پرداخته اند. برای این منظور از داده های دوره ی زمانی سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ برای سه گروه کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآوری محور استفاده کرده اند. نتایج نشان داد که اثر نرخ مالیات بر فعالیت های کارآفرینانه در کشورهای با طبقه بندی مختلف متفاوت است، به صورتی که نرخ مالیات در کشورهای منبع محور و کارایی محور بر کارآفرینی اثر منفی و معنی داری داشته و در کشورهای نوآور محور این اثر معنی دار نبوده است.

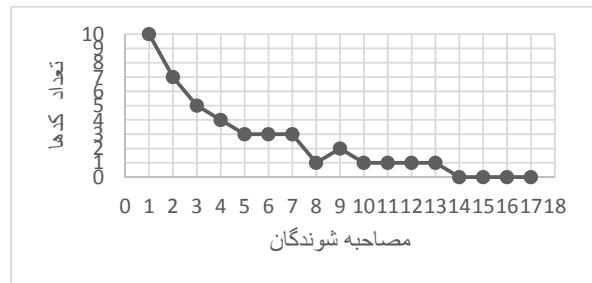
در این پژوهش پس از تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه به روش تحلیل محتوا، یافته ها به صورت عوامل موثر بر کارآمدی سیاست های مالیاتی دسته بندی شده است. تحلیل محتوا روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده ها است. بعد از پیاده سازی مصاحبه ها در مرحله اول، داده ها به دقت مطالعه و در مواردی برای تسلط بیشتر این کار، چندین بار تکرار شد. بعد از آن محتواهای مربوط به سوال تحقیق مشخص و کدهای اولیه استخراج و داده های حاصل از آن به استخراج هشت مورد به عنوان عوامل موثر بر کارآمدی نظام مالیاتی (جدول ۱) مورد شناسایی قرار گرفت.

جدول (۲): تم های اصلی و فرعی عوامل کارآمدی نظام مالیاتی

ردیف	تم های اصلی	جنسیت	فراوانی ^{۱۳}	تعداد
۱	تعریف واحد و یکپارچه از کارآفرینی و فعالیت های کارآفرینانه در نظام مالیاتی کشور و سنجه های لازم	نبود سنجه کارآفرینی (مانند تعداد پرسنل)	T1,T2, Mcls1, Mcls2, Entr1, T8, T4	۸
		تحصیلات	T1,T2,T3,T5,Mcls1, Mcls2,T5,T8,T4, T5	۱۰
		نبود تعریفی واحد و مورد توافق از کارآفرین نمونه گذاره: یک مرجع قانونی نمیداد کارآفرین رو تعریف کنه که ما بدانیم دقیقاً با کی طرف هستیم.	T1,T2,T3,T5,T9, Mcls1,Mcls2,T5, T8,T4,T5	۱۱
۱۱	عدم تشخیص کارآفرینان به دلیل عدم تشخیص کارآفرینان	نمونه گذاره: ما اصلاً نمیدانیم کارآفرینان کجا هستند که بخواهیم به آنها آموزش بدهیم	T1,T2,T3,T7,Mcls1,Mcls2,T5,T8,T4,T5,ENTR3	۱۱
		مصاحبه شوندگان	T1,T2,T4,T5,T3, T7,T9	۷
۲	آموزش به	عدم آموزش به	MCLS1,T1,ENTR1,ENTR2,ENTR6,ENTR3,ENT	۱۲

^{۱۳} کد T نماینده مجریان دستگاه مالیات ستانی، کد ENTR نماینده کارآفرینان و MCLS نماینده واحد کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی هستند.

داده شده و یا مصاحبه های انجام شده با افراد مطلع به اندازه ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکرار شدن پاسخ ها و یا مصاحبه ها شده و داده های جدیدی در آنها وجود ندارد، لذا به نقطه ی اشباع رسیده است. در شکل زیر نمودار اشباع نظری مشاهده می شود.



شکل (۱): اشباع نظری

در پژوهش حاضر برای سنجش قابلیت اعتماد از دو روش شاخص ثبات و شاخص توافق درون موضوعی دو کدگذار استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) از میان مصاحبه های انجام گرفته، چند مصاحبه به منزله نمونه، انتخاب و کدگذاری می شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه ها با هم مقایسه می شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری به کار می رود. در این پژوهش سه مصاحبه انتخاب شده و با فاصله دو هفته پس از کدگذاری اولیه، مجدداً کدگذاری شده اند. درصد پایایی بازآزمون ۰,۹۴ بوده که به دلیل آنکه از ۶۰٪ بالاتر است، بنابراین قابلیت کدگذاری قابل تایید بوده و می توان ادعا نمود که میزان پایایی تحلیل مصاحبه مناسب است. [۴]

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

در بخش روش شناسی پژوهش بیان شد هدفه مصاحبه جهت حصول نتیجه صورت گرفت است. در جدول زیر مشخصات این افراد را بیان شده است.

جدول (۱): توصیف ویژگی های فردی (دموگرافیک) مصاحبه شوندگان

جنسیت	مرد	۹۴٪
	زن	۶٪
تحصیلات	کارشناسی	۷٪
	کارشناسی ارشد	۱۱٪
	دکتری	۸۲٪
مصاحبه شوندگان	مدیران و کارمندان عالی رتبه ادارات مالیات	۵۳٪
	کارآفرینان شرکت های دانش بنیان	۳۵٪
	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۱۲٪

		فعالان عرصه تولید و بخش خدمات				R7,T3,T2,T1,T9,T7	کارآفرینان بالقوه و بالفعل	میزان و مودیان	
۸	ENTR1,ENTR2,ENTR7,MCLS1,MCLS2,T7,T4,ENTR5	جنسیت				۱۱	MCLS1,MCLS2,T1,T2,T3,T4,T5,T6,T7,T9	عدم اطلاع رسانی در زمینه اولویتها شامل تسهیلات مالیاتی	
۴	ENTR1,ENTR2,ENTR5,ENTR7	جریمه های سنگین برای شرکتهای کوچک و نوپا				۸	T2,T3,T6,T8,T9,ENTR3,ENTR5,T1	جنسیت	
۵	T3,T2,T9,ENTR2,ENTR3	تحصیلات				۶	ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR7,T7,T9	نبود مشاورین مالیاتی برای تبیین قانون	
۶	T2,ENTR2,ENTR3,ENTR5,ENTR6,ENTR7	بی اعتمادی ممیزان به کارآفرینان				۶	MCLS1,T2,T3,T9,T8,T6	تحصیلات	
۷	ENTR1,T7,T8,ENTR2,ENTR5,ENTR6,ENTR7	بی اعتمادی کارآفرینان به سیستم مالیاتی و دستگاه اجرای مالیات	اعتماد	۵		۹	T1,T2,T3,T4,ENTR1,ENTR5,MCLS1,ENTR6,ENTR7	عدم آموزش و آگاهی ممیزان نسبت به ماهیت فعالیت کارآفرینانه	
۴	ENTR4,ENTR3,ENTR1,MCLS1	مصاحبه شوندگان				۹	T1,T6,T7,MCLS1,MCLS2,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR6	بالا بودن هزینه تمکین کارآفرینان	
۵	T3,T4,T7,T8,T9	تعدد پرونده ها برای یک ممیز				۱۳	MCLS1,T1,ENTR1,ENTR2,T6,ENTR6,ENTR3,ENTR5,T3,T2,T1,T7,T9	مصاحبه شوندگان	
۶	T1,T2,T7,T8,T9,T6	فساد برانگیز بودن ابهام قانونی				۹	T1,T3,T7,T8,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR4,ENTR5	نگارش غیر عملیاتی و غیر واقعی متن قانون	
۹	ENTR7,ENTR2,ENTR3,ENTR4,T2,T7,T8,ENTR5,T1	جنسیت	سلامت اداری	۶		۷	T2,T8,T9,T7,T3,MCLS1,MCLS2	پراکندگی قانون	
۷	ENTR1, ENTR2, ENTR3, ENTR4, ENTR5, ENTR7, MCLS1	ناکافی بودن نظارت های فنی بر فرآیند تشخیص و وصول مالیات				۸	MCLS1,MCLS2,T1,T2,T3,T6,T8,T9	جنسیت	
۳	T3,Mcls2,ENTR4	تحصیلات				۱۲	T2,T3,T5,T7,T6,T8,T9,MCLS1,MCLS2,ENTR1,ENTR2,ENTR7	انشای ثقیل و پیچیده قانون بگونه ای که قانون به سادگی برای مودیان درک نمی شود.	
۴	MCLS1,T1,T2,T6	بازه زمانی طولانی حسابرسی				۸	T5,T7,ENTR5,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR4,ENTR6	تحصیلات	
۶	MCLS1,MCLS2,T3,T7,T9,T5	تعدد مراحل حسابرسی مالیاتی	بهبود فرایند حسابرسی	۷		۵	T9,T8,T4,T7,MCLS1	افتراق قوانین در بخش های مختلف	
۶	T6,T3,T8,T9,ENTR2,ENTR7	مصاحبه شوندگان				۴	T6,T7,T9,T3	ضد رقابتی بودن قانون	
۷	T7,T8,T9,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR7	سیستم اینترنتی ضعیف در فرآیند حسابرسی				۷	T5,T6,T7,T8,MCLS2,MCLS1,T9	مصاحبه شوندگان	
۱۱	T3,Mcls2,ENTR4,T5,T7,ENTR5,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR4,ENTR6	عدم شفافیت در اجرا	اصلاحات			۴		تعدد نرخ های مالیاتی در بخش های مختلف اقتصادی	
۱۰	MCLS2,ENTR4,T7,ENTR5,ENTR1,ENTR2,ENTR3,ENTR4,ENTR6,T4	جنسیت	اجرایی	۸		۴		بی عدالتی مالیاتی بین	
						۴	T7,ENTR6,ENTR3,ENTR1	عدالت	۴

۳	۰/۸۶	۱۴	۱	۲۵	۰/۷۳	۳۶	۱
۴	۰/۷۳	۱۵	۰/۸۶	۲۶	۰/۶۰	۳۷	۰/۶۰
۵	۱	۱۶	۰/۶۰	۲۷	۱	۳۸	۱
۶	۰/۷۳	۱۷	۰/۸۶	۲۸	۱	۳۹	۰/۸۶
۷	۰/۸۶	۱۸	۰/۸۶	۲۹	۰/۷۳	۴۰	۰/۷۳
۸	۰/۶۰	۱۹	۰/۶۰	۳۰	۰/۸۶	۴۱	۱
۹	۱	۲۰	۰/۸۶	۳۱	۱	۴۲	۰/۷۳
۱۰	۱	۲۱	۰/۶۰	۳۲	۱		
۱۱	۰/۷۳	۲۲	۰/۸۶	۳۳	۱		

منبع: یافته های پژوهش

با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه بررسی شد. چنانچه مقیاسی دارای میزان آلفای کرونباخ ۰/۷ و بالاتر باشد، میتوان گفت که آن مقیاس دارای پایایی است، البته برای سازه های اکتشافی می توان مقدار ۰/۶ را معیار قرار داد. ۱۱۹ بدین دلیل که پرسشنامه محقق ساخته است و همچنین تعداد گویه های هر مولفه زیاد نیست، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶ به عنوان حداقل انتخاب شد. نتایج نشان داد مقدار آلفای کرونباخ مقیاس سیاست های مالیاتی (کل) برابر با ۰/۹۳ است که مقدار مناسبی است و نشان از پایایی پرسشنامه دارد. تمامی مولفه ها پایایی بالاتر از ۰/۶۰ دارند. پایایی مولفه ها از حداقل ۰/۶۴ برای تعریف واحد و یکپارچه از کارآفرینی تا حداکثر ۰/۸۴ برای آموزش به مودیان و مدیران بدست آمده است که مقادیر قابل قبولی است

جدول (۴): پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ

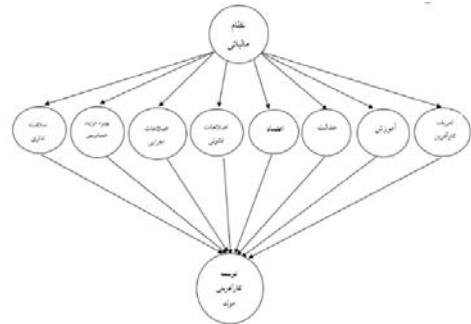
متغیرها	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
تعریف واحد و یکپارچه از کارآفرینی	۳	۰/۶۴
آموزش به مودیان و مدیران	۸	۰/۸۴
اصلاحات قانونی	۸	۰/۸۱
عدالت	۵	۰/۷۸
اعتماد	۳	۰/۶۹
سلامت اداری	۴	۰/۸۰
بهبود فرآیند حسابرسی	۴	۰/۶۶
اصلاحات جزئی	۳	۰/۷۳
سیاسات های مالیاتی (کل)	۳۸	۰/۹۳

منبع: یافته های پژوهش

۷	ENTR1, ENTR2, ENTR3, ENTR4, ENTR5, ENTR6, ENTR7	مالیات بر ارزش افزوده (تناقض بین تعریف مالیات بر ارزش افزوده و اجرای این قانون)
۴	ENTR2, ENTR4, ENTR5, ENTR1	تحصیلات

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به آن چه بیان شد جهت گسترش کارآفرینی مولد مدل زیر قابل استخراج است:



شکل (۲): مدل سیاست گذاری مالیاتی مشوق مالیات کارآفرینان

بمنظور تعیین اعتبار مدل پژوهش، در ادامه پرسشنامه ای آماده شد و از ۱۵ نفر از متخصصین حوزه کارآفرینی و مالیات، درخواست شد که درخصوص هر یک از گویه ها، به سه طیف با عناوین: گویه مفید است (به معنای حفظ گویه در پرسشنامه)، مفید نیست (به معنای عدم حفظ گویه در پرسشنامه) و مفید است به شرط اصلاح، پاسخ دهند. سپس میزان روایی پاسخ ها بر اساس فرمول CVR محاسبه گردید. بر اساس تعداد متخصصینی که سؤالات را مورد ارزیابی قرار داده اند، حداقل مقدار CVR قابل قبول باید ۰/۴۹ باشد.

سؤالاتی که مقدار CVR محاسبه شده برای آنها کمتر از میزان قابل قبول (۰/۴۹) با توجه به تعداد متخصصین ارزیابی کننده سؤال می باشد، به علت اینکه براساس شاخص روایی محتوایی، روایی قابل قبولی ندارند از آزمون کنار گذاشته شد؛ براین اساس تمامی سؤالات پرسشنامه در تحلیل باقی ماندند زیرا مقدار شاخص روایی محتوایی برای تمامی سؤالات بیشتر از ۰/۴۹ بوده و تمامی سؤالات از اعتبار محتوایی کافی برخوردارند.

جدول (۳): محاسبه روایی محتوایی

شماره سوال	نسبت اعتبار محتوا	شماره سوال	نسبت اعتبار محتوا	شماره سوال	نسبت اعتبار محتوا	شماره سوال	نسبت اعتبار محتوا
۱	۰/۷	۱۲	۰/۸۶	۲۳	۰/۸۶	۳۴	۰/۶۰
۲	۰/۶۰	۱۳	۰/۸۶	۲۴	۰/۸۶	۳۵	۰/۷۳

۵- نتیجه گیری

وصول سریع، کم هزینه و ثبات درآمدهای مالیاتی سبب روی آوردن بسیاری از کشورها به اینگونه درآمدها به عنوان درآمد اصلی و پایدار خود بوده است؛ به دلیل پایداری درآمدهای مالیاتی، تامین مخارج دولت از این طریق، ثبات اقتصادی را به همراه دارد.

در این پژوهش با وجود محدودیت هایی همچون عدم شناخت کافی از سیاست گذاری در میان دی نفعان و محدودیت دسترسی به سیاست گذاران پس از مصاحبه های صورت گرفته، هشت عامل موثر در سیاست گذاری مالیاتی بر کارآفرینی مولد را مورد شناسایی قرار گرفت. این عوامل به ترتیب، شناخت و تعریف کارآفرین، اصلاحات قانونی، ایجاد احساس عدالت، بهبود فرآیند حسابرسی، اصلاحات اجرایی، سلامت اداری، آموزش ممیزان و کارآفرینان و ایجاد اعتماد است.

در پژوهش های پیشین، عدم انطباق قوانین و مقررات مالیاتی با ضرورت ها و الزامات قانون گذاری مناسب، مهمترین چالش نظام مالیاتی ایران بوده است. به آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران پرداخته و نابسامانی قانونی را به عنوان اولین و مهمترین آسیب وارد بر نظام مالیاتی معرفی کرده و عدم تمکیم مودیان مالیاتی یا تمکین ناقص را از دیگر چالش های نظام مالیاتی دانسته اند. در پژوهش حاضر نیز با تایید پژوهش های گذشته پیشنهاد به ایجاد تغییر و اصلاحات در ارکان سه گانه نظام مالیاتی دارد. در رکن قوانین و مقررات مالیاتی می توان نقاط ضعفی از جمله پیچیدگی و عدم جامعیت و وجود معافیت های کلی، گسترده و در عین حال ناکارآمد، ضعف در ضمانت اجرایی و محدودیت در پایه های مالیاتی را احصا نمود.

نارسایی ها و ضعف در رکن دوم نظام مالیاتی یعنی سازمان اجرایی یا دستگاه های مالیاتی نیز دیده می شود که به علت ضعف در زیر ساخت های فناوری اطلاعات و به تبع آن عدم بکارگیری گسترده از فناوری اطلاعات در انجام امور، عدم وجود و بهره مندی از پایگاه جامع اطلاعات مودیان، عدم ارتباط اطلاعاتی و آماری میان تشکّل ها اجرایی است. از جمله علل عدم کارآیی و توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات در ایران این است که سیاست ها، قوانین و مقررات برای یک دنیای مبتنی بر فناوری اطلاعات تدوین نشده است. توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات در فرآیندهای مالیات نباید مستقل از بسته ی سیاست گذاری باشد بلکه سیاست گذاری ها باید بر مبنای بستری فناوری محور نگارش شود.

تمکین مالیاتی، به عنوان مهم ترین هدف یک سیستم مالیاتی کارآ به شمار می رود اما در رکن سوم یعنی مودیان به عنوان مخاطبان دستگاه های مالیات ستان هزینه تمکین به علت نبود اعتماد بالاست. عواملی همچون فرهنگ عمومی نامناسب در رابطه با پرداخت مالیات، ضعف در اطلاع رسانی در خصوص چگونگی هزینه کردن درآمدهای مالیاتی طی سالهای متمادی و عدم توجه به اهمیت آن در تغییر نگرش جامعه، پیچیدگی محاسباتی و عدم آگاهی مودیان از چگونگی تعیین مالیات

متعلق به آنها، احساس وجود تبعیض مالیاتی به مفهوم برخورد متفاوت مالیاتی بین مودیان همسان و نبود شفافیت اطلاعاتی پایین در خصوص فعالان اقتصادی از جمله عوامل موثر بر تمکین مودیان در پرداخت مالیات هستند.

سیاست گذاران باید سیاست های مالیاتی که رشد اقتصادی و رفاه به همراه دارد را دنبال نموده و توجه داشته باشند هنگامی که مالیات ها ساده و عادلانه باشند و مترغب انگیزه های رشد باشند در نفعی دو سویه، بنگاه های کسبوکار و دولت، از این رهرو منتفع خواهند شد؛ در این راستا پژوهش حاضر، تسریع در اقدامات زیر را پیشنهاد می نماید:

- قانون گذار باید ضمن تعریف واژه کارآفرین جایگاه او را در رشد اقتصادی به رسمیت بشناسد؛ ناآشنایی قانون گذار با کارآفرین و ماهیت فعالیت های وی باعث شده معدود قوانینی که قانون گذار برای حمایت از فعالیت این اقشار لحاظ کرده، مانند قانون رفع موانع تولید شرکت های پررشد در عمل غیرواقعی و غیرقابل استفاده باشد. تا زمانی که قانون گذار واژه کارآفرینی را تعریف نکند که کارآفرینی چه چیزی هست و چه چیزی نیست نمی توان کارآیی قانون را بررسی نمود.

- شرکت های تازه تاسیس و کوچک و متوسط از نظر تجربیات مالیاتی، سرمایه مالی و انسانی متفاوت از شرکت های رشد یافته هستند و آسیب پذیری بیشتری در مواجهه با عوامل موثر بر محیط کسبوکار دارند از این رو برخورد مالیاتی با یک شرکت تازه تاسیس ونوپا نباید مانند شرکت رشد یافته و بزرگ باشد. در شرایط فعلی در عمل برخوردها یکسان است که این مساله باعث آسیب به شرکت های کوچک و متوسط می شود.

- به علت بالابودن درآمدهای مالیاتی و همچنین عدم تنوع پایه های مالیاتی سیاست گذاران از تسهیلات مالیاتی برای کارآفرینان اجتناب می کنند، با گسترش پایه های مالیاتی مانند در نظر گرفتن مالیات بر مستقلات مسکونی خالی، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات های سخت و مالیات محیط زیست، فضا را برای تسهیلات مشوق مالیاتی برای بخش توسعه گسترده تر می نماید. به طور مثال مالیات اندک بر ملک باعث کاهش تمایل به سرمایه گذاری و کارآفرینی و ایجاد فضای دلالی شده است. با افزایش این نوع مالیات ها می توان شرایط را برای کارآفرینی مولد، تسهیل کرد.

- برای کاهش فساد به عنوان یکی از موانع کارآفرینی مولد، نیاز به افزایش ممیزان یا کاهش فعالیت های ممیزان از طریق استفاده از کاربردهای فناوری اطلاعات است زیرا هر چه نسبت کارمند به پرونده ها کوچکتر باشد فساد مالیاتی افزایش می یابد. زیرا تعدد پرونده ها برای یک ممیز و همچنین جریمه هایی که برای ممیزان در صورت عدم اتمام به موقع

استفاده از تسهیلات مالیاتی را دچار مشکل می کند. توصیه می شود در مراکز رشد و پارک های علم و فناوری و همچنین ادارت مالیات، مرکزی جهت ارتباط دو سویه و تعامل این واحدها جهت تفسیر و روشن گری مواد قانونی ایجاد شود تا این واحدها خدمات مشاوره ای و اطلاعاتشان را در اختیار شرکت های مستقر در مراکز رشد و پارک های علم فناوری قرار دهند.

منابع و ماخذ

- [۱] سالاری، ابوزر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار. مجله اقتصادی ۹-۱۰، ۱۳۰-۱۱۱
- [۲] اکبرپور، نرگس، حاجی کرمی، مرضیه. (۱۳۹۴). ترکیب مالیاتی و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، اقتصاد و الگو سازی، ۵، ۱۹۳-۱۶۹
- [۳] داوری، علی. (۱۳۹۱). اراده مدل خط مشی توسعه کارآفرینی، چشم انداز مدیریتی، ۱۱، ۵۰-۳۳
- [۴] دلاور، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشاران رشد.
- [۵] صمدی، علی حسین، میرهاشمی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی اثر سیاست های مالیاتی بر فعالیت کارآفرینانه (موردی کشورهای منبع محور کارایی محور و نوآور محور)، پژوهشنامه مالیات، ۳۱-۱۱
- [6] Balamoun-Lutz, M., Garello, P. (2014). **Tax Structure and Entrepreneurship**. Small Business Economics 42(1): 165-190.
- [7] Baumol, W. J. (1990). **Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive**. Journal of political economy 98(5, Part 1): 893-921.
- [8] Baumol, W. J. (1993). **Formal Entrepreneurship Theory in Economics: Existence and Bounds**. Journal of business venturing 8(3): 197-210.
- [9] Baumol, W. J. (1996). **Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive**. Journal of Business Venturing 11(1) 3-22.
- [10] Braunerhjelm, P., Eklund, J. E. (2014). **Taxes, Tax Administrative Burdens and New Firm Formation**. Kyklos 67(1): 1-11.
- [11] Block, J. (2016). **Corporate Income Taxes and Entrepreneurship**. IZA World of Labor.
- [12] Block, J. (2021). **Corporate Income Taxes and Entrepreneurship**. IZA World of Labor.
- [13] Braunerhjelm, P., Eklund, J. E., Thulin, P. (2021). **Taxes, the Tax Administrative Burden and the Entrepreneurial Life Cycle**. Small Business Economics, 56(2), 681-694.
- [14] Bruce, D., Deskins, J. (2012). **Can State Tax Policies be Used to Promote Entrepreneurial Activity?**. Small business economics 38(4): 375-397.
- [15] Bruce, D., Gurley-Calvez, T. J., Norwood, A. (2020). **Taxes and Entrepreneurship: A Literature Review and Research Agenda**. Foundations and Trends® in Entrepreneurship, 16(5), 393-443.
- [16] Clingsmith, D., Shane, S. (2015). **How Individual Income Tax Policy Affects Entrepreneurship**. Fordham L. Rev. 84: 2495.
- [17] Darnihamedani, P., Block, J.H., Hessels, J., Simonyan, A. (2018). **Taxes, Start-up Costs, and Innovative Entrepreneurship**. Small Business Economics 51(2): 355-369.

فعالیت های ممیزی قرار می دهند باعث کاهش دقت و همچنین ایجاد فساد در بین ممیزان می شود.

یکی از راه های بهبود شاخص مالیات در گزارش بانک جهانی مبنی بر بهبود محیط کسب و کار، کاهش رفت و آمد مودیان به دستگاه های مالیات ستانی است. با توجه به اینکه هر کارآفرین چند نوع مالیات را پرداخت می کند برای هر نوع آن به یک یا چند ممیز ارجاع داده می شود که عمده ترین دلیل این مساله تناقض در قوانین مالیاتی است. برای بهبود این مساله در کنار اصلاحات قانونی پیشنهاد می شود از تعداد ماموران مالیاتی برای یک مودی کاسته شود تا تعدد دفعات مراجعه کارآفرینان به دفاتر مالیاتی کاهش یابد.

یکی از علل حضور مودیان در ادارات مالیاتی چانه زنی مودیان برای تقسیم مبلغ پرداختی مالیات است. استفاده از فن آوری اطلاعات و ثبت اسناد سازمان یافته و استفاده کردن از طرف سوم مانند بانک ها به عنوان پایگاه داده، اعتماد به خوداظهاری مودی باعث کاهش این تردها می شود.

یکی از بزرگترین مشکلات نظام مالیاتی بحث اسناد و مدارک و مستند نبودن اطلاعات دوسویه ممیز و مودی است با صدور فاکتور پایانه های فروشگاه، افزایش ارتباط با نظام بانکی می توان سیستم اطلاعاتی منسجم تری ساخت که همین منجر به کاهش رفت و آمد مودی و سهولت و افزایش دقت ممیز و عادلانه تر برخورد کردن در مالیات علی الراس خواهد شد. با شفاف سازی سیستم اطلاعاتی از فرار مالیاتی و ظلم مالیاتی که مودی را به سمت اقتصاد غیررسمی سوق می دهد، کاسته خواهد شد.

تصمیم گیری در مورد سیاست های مالیاتی از بالا به پایین صورت می گیرد به این صورت که قوانین در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و به دستگاه های اجرای قانون ابلاغ می شود؛ قانون گذار اگرچه از پژوهش ها و نظر متخصصان حسابداری و مدیریت استفاده می کند اما دستگاه اجرا را درگیر تصمیم گیری نمی کند. دستگاه های اجرا که در صف اول ارتباط با رکن سوم نظام مالیاتی هستند زودتر خلأها و ضعف های قانونی را درک می کنند و از آنجایی که به موجب قانون اساسی در کشور مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون، دستگاه تصمیم گیر قانون باید از نمایندگان در دستگاه اجرا در مجموعه ی تصمیم گیری خود بگنجاند. به عبارتی قانون گذاری از پایین به بالا صورت گیرد. در این صورت نظام مالیاتی کمتر شاهد نارسایی های اجرایی خواهد بود.

درک صحیح مواد قانونی برای کارآفرینان در سال های اولیه فعالیتشان که با فرآیندهای مالیاتی نامأنوس هستند دشوار است و همین امر باعث نقص در مدارک مالیاتی آنها شده و

- [18] Gurley-Calvez, T. and D. Bruce (2013). "**Do tax rate cuts encourage entrepreneurial entry?**" Journal of Entrepreneurship and Public Policy 2(2): 178-202.
- [19] Kuratko, D. F., Hornsby, J. S., Covin, J. D. (2014). **Diagnosing a Firm's Internal Environment for Corporate Entrepreneurship**. Business Horizons 57(1): 37-47.
- [20] Mukherjee, A., Singh, M., Žaldokas, A. (2017). **Do Corporate Taxes Hinder Innovation?**. Journal of Financial Economics 124(1): 195-221.
- [21] Oboh, S., Isa, E., Adekoya, A. (2012). **Corporate Capital Structure and Corporate Market Value: Empirical Evidence from Nigeria"**
- [22] Smith, K., Miller, H.(2021). **Capital Taxation and Entrepreneurship**. Journal of political economy 21, 65-81
- [23] Szarowská, I. (2014). **Personal Income Taxation in a Context of a Tax Structure**. Procedia Economics and Finance 12: 662-669.
- [24] Wen, J.F., Gordon, D. V. (2014). **An Empirical Model of Tax Convexity and Self-Employment**. Review of Economics and Statistics 96(3): 471-482.